معنای ثنای جمیل در مادهی «صلات» در کتاب التحقیق

در شرح صفحهی هفتاد و سوم بودیم. در این جمله از خطبهی مبارکه بودیم که فرمودند:

> «وباللشهادتين يدخلون الجنة ، وبالصلاة ينالون الرحمة ، فأكثروا من الصلاة على نبيكم وآله ، إن اللّه وملائكته يصلون على النبي اي أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما. أيها الناس إنه لا شرف أعلى من الإسلام»[1].

همهی فقرهها به هم کمال ارتباط را دارند. در جلسهی گذشته دو-سه کلمه صحبت شد. بنده فراموش کرده بودم که چه عرض کرده بودم و لکن الحمدللّه با مرور چند لحظهای یادم آمد که چه بحثی کرده بودیم.

در جلسهی قبل از فرمایشی که مرحوم آقای مصطفوی در کلمهی «صلات» داشتند، صحبت کردیم:

> «فهذه المادة قد أكملت في العربية مستعملة في العبادة المخصوصة. و أما الأصل الواحد الاستقلالي في العربية في هذه المادة: هو الثناء الجميل المطلق الشامل للتحية و غيرها.
>
> «إن اللّه و ملائكته يصلون على النبي اي أيها الذين آمنوا صلوا عليه و سلموا تسليما»
>
> «هو الذي يصلي عليكم و ملائكته ليخرجكم من الظلمات إلى النور»
>
> «خذ من أموالهم صدقة تطهرهم و تزكيهم بها و صلّ عليهم إنّ صلاتك سكن لهم»
>
> «أولئك عليهم صلوات من ربّهم و رحمة»
>
> «كل قد علم صلاته و تسبيحه و اللّه عليم بما يفعلون»
>
> «و من الأعراب .... و يتخذ ما ينفق قربات عند اللّه و صلوات الرسول ألا إنّها قربة لهم»
>
> فينبغي أن يذكر هنا بعض ما يوضح و يبين المراد: 1- يدل بعض ما في هذه الآيات الكريمة على أن الحقيقة في هذه المادة ليست بعبادة أو استغفار-. هو

> الذي يصلي عليكم،. أولئك عليهم صلوات من ربهم- فان العبادة أو الاستغفار ال ينا سب تعالى. و أيضا ليست برحمة و ال تسبيح - و ملائكته يصلون، ... يصلّي عليكم و ملائكته - فانّ الرحمة أو التسبيح من الملائكة على الناس غير منا سب، مضافا الى ذكرهما في رديف الصلاة- صلوات من ربهم و رحمة، ... صلاته و تسبيحه»[2].

در جلد ششم فرموده بودند که اوالً اصل مادهی «صلو» و «صلی» در لغت دیگری آمده است ولی در زبان عربی هم اصلی دارد. فرمودند: «فهذه المادة قد اكملت في العربية»؛ «صلو» و «صلی» در زبان عبری، آرامی و ... ریشهای داشته است، ولی بهصورت متوحد در زبان عربی تکمیل شده است. چون اینها را قبلا خواندهایم، الان تنها اشاره میکنم. بعد فرمودند: «ينبغي ان يذكر هنا بعض ما يوضح و يبين المراد». اول گفتند: خیالتان راحت باشد که «صلات» بهمعنای استغفار و رحمت نیست. فرمودند: **«يدل بعض ما في هذه الآيات الكريمة على انّ الحقيقة في هذه المادة ليست بعبادة او استغفار»؛** صلات بهمعنای عبادت نیست. بعد هم آیاتش را آوردهاند. **«هو الذي يصلّي عليكم و ملائكته ليخرجكم من الظلمات إلى النور»؛** این یعنی عبادت میکند؟! **«أولئك عليهم صلوات من ربّهم و رحمة». «فانّ العبادة و الاستغفار لاينا سب تعالى»؛** خداوند چطور عبادت میکند؟! چطور استغفار میکند؟!

«و ايضا ليست برحمة و ال تسبيح»؛ بهمعنای رحمت و تسبیح هم نیست. چرا؟! **«إنّ اللّه وملائكته يصلون...، فانّ الرحمة او التسبيح من الملائكة على الناس غير منا سب، مضافا الى ذكرهما في رديف الصلاة»؛** «صلوات من ربهم و رحمة»؛ خود رحمت که تکرار شده است، معلوم میشود معنایش فرق میکند. «كل قد علم صلاته و تسبيحه»؛ اینجا عطف توضیحی که نیست. اصل در عطف، غیر توضیحی است. لذا تأسیسی است. اساس اصل در عطف، تأسیس است، نه توضیح. وقتی اصل تأسیس باشد، دو معنا دارد. لذا میفرمایند: «قلنا انّ الاصل في المادة»؛ همانی که در عربی تکمیل شده است «هو الثناء الجميل».

---

[1]. شیخ صدوق، التوّحيد ج ۱، ص ۷۳.

[2]. علامهی مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۶، ص ۲۷۳.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 ژوئن 2024 13:25:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژوئن 2024 13:30:15 توسط ... .